

نقدی بر تصحیح و چاپ

شرح هدایة الأثرية

جواد ستاری وند

مقدمه

(۱۳۱۳ هـ. ق) بارها به جناب رسیده اما اخیراً جناب آقای محمد مصطفی فواد و کار به ضبط و تصحیح این نسخه اقدام نموده و موسسه التاریخ العربی آن را به چاپ رسانده است. جا دارد از اهمیاتی که به چاپ و نشر میراث فلسفی دارند، کمال قدردانی و تشکر را نمود. اما با تمام این احوال، باید اعتراف کرد که این کار به هیچ وجه درخور قدر و شأن ملاصدرا نمی باشد. چاپ این کتاب بر اساس همان نسخه سنگی تنظیم شده است، اما متأسفانه نه تنها کار بهتر از آن ارائه نشده است، بلکه همان نسخه، با اغلاط فراوان و اشتباهات فاحش تنها در ظاهری نو عرضه شده است؛ به حدی که گاهی اغلاط هر صفحه به بیش از پنج یا شش مورد می رسد. نوشتار حاضر به نقایص و نمونه هایی از موارد اشکالات و اغلاط آن اشاره می کند:

۱. مشخص نبودن متن کتاب

یکی از مهم ترین اشکالات کتاب، تمایز نداشتن متن از شرح

احیا اندیشه متفکران اسلامی از رهگذر چاپ نسخه های خطی، یکی از کارهای ارزشمند برای ترویج فرهنگ اسلامی است. بسا اندیشه ها و تفکرات والایی از دانشمندان بزرگ اسلامی که در قفسه کتابخانه ها خاک می خورد و در پی مروجی برای نشر خود به انتظار نشسته اند.

آثار ملاصدرا فیلسوف بزرگ اسلامی در بین اندیشمندان از جایگاه رفیعی برخوردار است و کتب مهم ایشان جزء متون درسی حوزه و دانشگاه می باشد. شرح هدایة الأثرية، جزء اولین کتاب های ملاصدرا است. متن این کتاب فلسفی از «أثیر الدین فضل ابن ابهری سمرقندی» از اکابر علمای نیمه دوم قرن هفتم (هـ. ق ۶۶۰ و یا ۶۶۳ و یا ۷۰۰) است^۱ و فیلسوفان اسلامی شروح بسیاری بر آن نوشته اند.^۲ اکثر این شروح در هندوستان نگارش یافته؛ زیرا این کتاب در هند به شهرت نام مؤلف معروفیت دارد؛ به طوری که هر گاه نام صدرا برده می شود، منظور صدر الدین شیرازی نیست، بلکه همان «شرح هدایة» است، و جزء متون مهم درسی آن سامان بوده و فعلاً نیز در برخی از حوزهای درسی تدریس می شود.^۳

این کتاب با داشتن بیش از صد نسخه خطی در کتابخانه های مختلف ایران، از زمره کتاب هایی بر نسخه می باشد.^۴ چاپ سنگی این کتاب بر اساس نسخه میرزا عبد الکریم شیرازی

۱. مدرس تبریزی، ریحانة الادب، ج ۱، ص ۷۳.

۲. آقابزرگ تهرانی، سیزده شرح بر این کتاب ذکر می نماید: الذریعة، ج ۱۴، ص ۱۷۳.

۳. سید حسین نصر، با معارف اسلامی در جهان معاصر، ص ۱۲۸.

۴. ناهید باقری خرمدشتی، کتاب شناسی جامع ملاصدرا، ص ۱۸۰.

می باشد. متن کتاب اثیر الدین عیناً با همان قلم شرح انتخاب شده است؛ به نحوی که هیچ گونه فرقی بین این دو لحاظ نشده است؛ در حالی که لزوم تمایز متن از شرح که فهم خواننده را سهل، و عدم خلط آراء و اقوال این دو فیلسوف را موجب می شود، ضروری است. لذا در همان نسخه استخراج شده، متن اصلی با خطی که بر روی آن کشیده شده، کاملاً از شرح متمایز می باشد.

۲. اشاره نکردن به نسخه بدل ها

یکی از ضروریات تصحیح کتب خطی، اشاره به نسخه بدل های گوناگون در نسخه های مختلف است که می تواند محقق را در فهم مطلب و غرض مؤلف یاری رساند. لذا رجوع به نسخه های مختلف برای شناسایی این موارد در تصحیح متون یکی از ضروریات این فن به شمار می رود؛ اما در این چاپ، به عنوان نمونه، حتی به یک مورد نیز اشاره نشده است. این در حالی است که مصحح محترم لااقل می توانست به همان موارد از نسخه بدل های مذکور در کتاب سنگی که در بالای همان کلمه ذکر شده است، اشاره نماید.

۳. از قلم افتادگی کلمات یا جملات

عدم دقت در تصحیح این کتاب، موجب شده است که در موارد بسیار، کلمات و بعضاً جملات حذف شود؛ مخصوصاً در مواردی که در نسخه سنگی متن اصلی با علامتی در حاشیه آمده است، کثرت این اشتباهات به ده ها مورد می رسد.

به عنوان نمونه به پاره ای از آنها می شود:

۱-۳. فلا تکون وسط وقد فرضنا. (ص ۱۹، ۱۴)

صحیح: فلا تکون وسط وطرف وقد فرضنا.

۲-۳. ولا یخالف مجرد صورة جسمية اخرى. (ص ۶۳، ۱۷)
صحیح: ولا یخالف مجرد صورة جسمية مجرد صورة جسمية اخرى.

۳-۳. تتصل ببعض المركبات صورة کمالية بحسب قطرتها الاولى. (ص ۱۰۱، ۱۲)

صحیح: تتصل ببعض المركبات صورة کمالية بحسب قطرتها الثانية لامور تعود الى القوابل او استعدادها كذلك جاز ان يتصل ببعض البسائط صورة کمالية بحسب قطرتها الاولى.

۴-۳. على ان الكون والفساد بالحركة المستقيمة مع انهما يستلزمان. (ص ۱۶۰، ۵)

صحیح: على ان الكون والفساد بالحركة المستقيمة والفلک لا يقبل الحركة المستقيمة فلا يقبل الخرق والالتيام مع انهما يستلزمان.

۵-۳. او عسر على وجه النقص. (ص ۱۸۸، ۶)

صحیح: او عسر على وجه الكمال والنقص.

۶-۳. فبينهما تقابل الملكة والعدم والافتقار التضايف والا فالتضاد. (ص ۲۶۶، ۱۷)

صحیح: فبينهما تقابل الملكة والعدم والافتقار السلب والايجاب وان لم يكن احدهما سلباً للآخر، فان كان تعقل كل منهما بالقياس الى الآخر فتقابل التضايف والا فالتضاد.

۷-۳. وكذا المعية ولكن في المعية في الوجود. (ص ۲۷۲، ۱۹)

صحیح: وكذا المعية ولكن في المعية قسم آخر وهو المعية في الوجود.

۸-۳. وان كانت العلة علة لذاتها فتلك الخصوصية حالة. (ص ۲۹۷، ۱۱)

صحیح: وان كانت العلة علة لذاتها فتلك الخصوصية ذات علة وان كانت علة لا لذاتها بل بحسب حالة اخرى فتلك الخصوصية حالة.

۹-۳. والمتوقف عليها بثبوت الغير ضرورة اقتضاء. (ص ۲۹۹، ۲۴)

صحیح: والمتوقف عليها بثبوت الغير لا تعقله فلا دور، والجواب ان المراد انه لا يصح الحكم بالسلوب والاضافات في نفس الامر الا بعد ثبوت الغير ضرورة اقتضاء.

۱۰-۳. فالفاعل بالحقيقة هي، ومفيدة كما في عرف الالهيين. (ص ۳۰۳، ۶)

صحیح: فالفاعل بالحقيقة هي، مبدأ الوجود ومفيدة كما في عرف الالهيين.

۱۱-۳. والزاوية ايضاً كيفية حاصلة للحدود. (ص ۳۱۸، ۱۲)

صحیح: والزاوية ايضاً كيفية حاصلة للمحدود لا للحدود.
۱۲-۳. لانه اذا قارنت الجوهر العاقل لم يؤثر فيه. (ص ۳۶۳، ۱)
صحیح: لانه اذا قارنت الجسم والجسماني أثرت فيه كما ذكرنا و اذا قارنت الجوهر العاقل لم يؤثر فيه.

کتاب، مصحح محترم در بسیاری از این موارد کلمات اختصار را یا نگشوده اند و یا برخلاف متعارف، و بعضاً متعاکس، بازگشایی کرده اند.

به برخی از این موارد نیز اشاره می کنیم:

۱-۴. بحيث يكون الاشارة الى (أج) عين الاشارة الى الآخر. (ص ۳۳، س ۸)

صحیح: بحيث يكون الاشارة الى أحدهما عين الاشارة الى الآخر.

۲-۴. فحاول المضم التنبيه. (ص ۲۶۰، س ۱۰)

صحیح: فحاول المصنف التنبيه.

۳-۴. عدم الفرق بين القولين بحسب المفهوم وليس كل. (ص ۲۷۶، س ۲۵)

صحیح: عدم الفرق بين القولين بحسب المفهوم وليس كذلك.

۴-۴. الواجب نعم، وان لم يكن في فعله. (ص ۲۹۳، س ۲۰)

صحیح: الواجب تعالى، وان لم يكن في فعله.

۵-۴. لامتناع التسالم. (ص ۲۹۶، س ۶)

صحیح: لامتناع التسلسل.

۶-۴. يصدر عنها المصنف المعين. (ص ۲۹۶، س ۱۳)

صحیح: يصدر عنها المعلول المعين.

۷-۴. ثم لما جاء الى العالم الأشرق. (ص ۲۹۷، س ۲۵)

صحیح: ثم لما جاء الى المعلوم الأشرف.

۸-۴. واجيب بأننا الأتم كون الوجود. (ص ۲۹۹، س ۷)

صحیح: واجيب بأننا لانسلم كون الوجود.

۹-۴. وان العام من مقولة الكيف. (ص ۳۰۸، س ۷)

صحیح: وان المعلوم من مقولة الكيف.

۱۰-۴. لزم الدور والنسبة. (ص ۳۱۴، س ۲۱)

صحیح: لزم الدور والتسلسل.

۱۱-۴. لا يكون قابلاً للعدم لايق. كل. (ص ۳۲۹، س ۶)

صحیح: لا يكون قابلاً للعدم، لا يقال: كل.

این کلمه تقریباً در اکثر جاهای کتاب به همین صورت نوشته شده است.

۱۲-۴. فيكون علة الجملة (ح) جزئها (ص ۳۳۱، س ۲۳)

صحیح: فيكون علة الجملة حينئذ جزئها.

۱۳-۴. وتقدم الشيء على نفسه صح. (ص ۳۶۵، س ۱۲)

صحیح: وتقدم الشيء على نفسه محال.

۱۴-۴. يوجب العلم بالمعنى. (ص ۳۷۸، س ۱۴)

صحیح: يوجب العلم بالمعلول.

۱۳-۳. ليس كمالاً له في انه يتبع عقله لذاته للاشياء. (ص ۳۷۷، س ۷)

صحیح: ليس كمالاً له بل كماله في انه يتبع عقله لذاته عقله للاشياء.

۱۴-۳. ان العلم بمهية العلة التامة مطلقاً يوجب العلم بالمعنى ولا أن. (ص ۳۷۸، س ۱۴)

صحیح: ان العلم بمهية العلة التامة مطلقاً يوجب العلم بالمعلول ولا أن العلم بالعلة من حيث انها علة اي من حيث معرفتها لهذا المفهوم يوجب ذلك ولا أن.

۱۵-۳. فيلزم له وجوب الوجوب بالغير ونسبته الى الحق الاول. (ص ۴۲۴، س ۱۲)

صحیح: فيلزم له وجوب الوجوب بالغير وامكان الوجود لذاته وتعقله لها فيكون باحد هذين الاعتبارين وهو وجوب الوجود بالغير والنسبة الى الحق الاول.

۱۶-۳. وبعضها بالعكس وكذا...، واما العنصریات. (ص ۴۲۷، س ۳)

صحیح: وبعضها بالعكس وكذا بعضها اشد سخافة واقصر قطراً، وبعضها بالعكس والكواكب بعضها اشد نورية واسفل مكاناً وأصغر جرمًا وبعضها بالعكس وأما العنصریات.

۱۷-۳. بان نقابل الجزء الأول من الجملة الأولى والجزء الثاني بالثاني (ص ۴۳۶، س ۱۳)

صحیح: بان نقابل الجزء الأول من الجملة الثانية بالجزء الأول من الجملة الأولى والجزء الثاني بالثاني

۱۸-۳. فمفاد احدهما التركيب بحسب الخارج، فان قلت: وان كان جوهرًا. (ص: ۴۴۹، س ۳)

صحیح: فمفاد احدهما التركيب بحسب التحليل العقلي ومفاد الآخر التركيب بحسب الخارج، فان قلت: النفس وان كان جوهرًا.

۴. نگشودن رمزها

یکی از سنن مرسوم در نسخه های خطی، اختصار نویسی کلماتی است که نوعاً بیش از حد تکرار می شود، که خواننده با دیدن این حروف، پی به اصل کلمه می برد. بدیهی است که در موارد متشابه، خواننده با دقت در متن موجود به کلمه مورد نظر پی خواهد برد؛ مثلاً لا يقال، يتسلسل، المصنف، به صورت های لايق، يتس، المص، نوشته و خط کوچکی که دال بر این اختصار باشد، بر روی آن می کشند. اما در این

۱۵-۴. والمعنى: لما ذكر. (ص ۴۳۶، س ۷)
صحیح: والمصنف: لما ذكر.

۵. اغلاط املائی

غلط بودن کلمات، گاهی به سبب عدم دقت در تایپ و یا مقابله بعد از آن است، که بیشتر این اغلاط به جهت ناهماهنگ بودن معنی کلمه یا جمله با کمی دقت معلوم می شود، که در این صورت اشکال متوجه ناشر است، اما در تصحیح نسخه های خطی این اشتباه می تواند بیشتر متوجه مصحح گردد که به جهت عدم دقت در خواندن کلمات، و یا ناآشنایی با موضوع آن علم، و یا مراجعه نکردن به نسخه های مختلف، به اشتباهات فاحشی دچار شود. متأسفانه این کتاب از هر دو جهت با اغلاط فراوانی روبروست؛ اما تأکید ما بر اغلاطی است که از ناحیه مصحح صورت گرفته است. کثرت فوق العاده این اغلاط، دلیل حداقل دقتی است که در تصحیح این کتاب به کار رفته است. به عنوان نمونه به تعدادی چند از این موارد اشاره می کنیم:

۱-۵. قال الشيخ الرئيس فی «الحكمة العلائية»:

جسم در حد ذات پیوسته است که اگر گسسته بودی قال
أبعاد نبودی و الحاصل. (ص ۴۳، س ۱۰)

مصحح محترم به خیال اینکه این جمله یک بیت شعر است آن را به صورت نظم، و با یک غلط فاحش تنظیم کرده است، در حالی که صحیح آن این گونه است:

قال الشيخ الرئيس فی «الحكمة العلائية»: جسم در حد ذات پیوسته است که اگر گسسته بودی، قابل ابعاد نبودی، و الحاصل ...

۲-۵. علی الطبيعة المأخوذة بشرط الآتی. (ص ۲۱۹، س ۱۸)
صحیح: علی الطبيعة المأخوذة بشرط لاشیء.

۳-۵. وللمكان عند غیرهم من شعبة. (ص ۲۶۶، س ۴)
صحیح: وللممكنان عند غیرهم من شعبة.

۴-۵. وأما المتأخر فيقال علی ما قيل: بل المتقدم.
(ص ۲۷۲، س ۱۸)

صحیح: وأما المتأخر فيقال علی ما يقابل المتقدم.
۵-۵. فلا يتكرر بسببها الذات. (ص ۲۷۴، س ۲۰)

صحیح: فلا يتكرر بسببها الذات.

۶-۵. فاتفق أن تضادمت منها جملة. (ص ۲۸۵، س ۴)
صحیح: فاتفق أن تضاد منها جملة.

۷-۵. عالم نجروش لا اله الا هو است
غافل بکمان کرد دشمن است او یا دوست

دریا بمحیط خویش موحی دارد
خس نیدارد که این کشاکش با اوست
(ص ۲۹۴، س ۹)

صحیح:

عالم بخروش لا اله الا هو است
غافل بگمان که دشمن است او یا دوست
دریا بمحیط خویش موحی دارد
خس پندارد که این کشاکش با اوست

۸-۵. لو كان الواحد الحقيقي مصدراً لأمرين كاذب مثلاً كان
مصدراً الأ ولما وليس فيلزم اجتماع النقيضين. (ص ۲۹۷، س ۱۵)
صحیح: لو كان الواحد الحقيقي مصدراً لأمرين كـ (ا) و (ب)
مثلاً كان مصدر آل ' (ا) ولما ليس (ا) فيلزم اجتماع النقيضين.

۹-۵. نقيض صدور الا صدور (لا) أعنى صدور (ب).
(ص ۲۹۷، س ۱۷)

صحیح: نقيض صدور (ا) لا صدور (ا) لا صدور لا (ا) أعنى
صدور (ب).

۱۰-۵. وان واجب الوجود. (ص ۳۵۶، س ۹)

صحیح: وان وجب للوجود.

۱۱-۵. فضلاً عن المادة وغوايتها وكل مجرد عن المادة
القائم بنفسه لا غيره. (ص ۳۶۱، س ۳)

صحیح: فضلاً عن المادة وغواشيتها وكل مجرد عن المادة
القائم بنفسه لا غيره.

۱۲-۵. قائماً بعده شراً. (ص ۴۰۱، س ۱۶)

صحیح: قائماً بعده شراً.

۱۳-۵. اذ صدق الفعلية. (ص ۴۱۲، س ۱۵)

صحیح: اذ صدق السالبة.

۱۴-۵. ان الأول قد يطلق. (ص ۴۲۲، س ۱۴)

صحیح: ان الأزلی قد يطلق.

۱۶-۵. فی تحصیل مطلق بها. (ص ۴۵۰، س ۱۷)

صحیح: فی تحصیل مطلوبها.

۱۷-۵. كما عاهد البطلان. (ص ۴۵۷، س ۱)

صحیح: كما عاهد البطلان.

۶. آوردن کلمات اضافه

یکی دیگر از اشکالاتی که در این کتاب با آن مواجه هستیم، آوردن برخی کلمات زایدی است که در متن اصلی کتاب موجود نیست. به مواردی چند از آنها (به غیر از «او» که نسبتاً زیاد است) اشاره می کنیم:

سطر آورده شود، حتی بدون نقطه در ادامه همان مطلب آورده می شود. و یا در تقسیماتی که الأول و الثانی و ... دارند، بعضاً تقسیمات فرعی یک قسم با خط درشت نوشته شده و تقسیمات اصلی با همان خط کتاب در وسط پاراگراف گم شده، و یا بین این دو خلط شده. و همچنین در مورد ویرگول (،) اشتباهات فراوانی رخ داده است، و در دیگر علامات ویراستاری نیز، دقت و توجه کافی به عمل نیامده است.

به عنوان نمونه تنها به چند مورد اشاره می کنیم:

۱-۸. و مثاله فی «المنفصل». (ص ۳۶، س ۱۸)

ایشان به خیال اینکه «المنفصل» نام کتاب خاصی است، آن را با خط درشت و در داخل گیومه قرار داده اند.

۲-۸. کما استفاد من کلام الشیخ فی «الحکمة الفارسیة» أو

«التجرد عن الأخبار». (ص ۴۴، س ۱)

و باز به خیال اینکه «التجرد عن الأخبار» نام کتاب دومی برای شیخ است، آن را با خط درشت داخل گیومه آورده است، در حالی که نه تنها اسم کتاب نیست، بلکه به صورت اشتباه نیز نوشته شده است، که صحیح آن: أو التجرد عن الأحیاز، می باشد.

۳-۸. کما ورد فی «الصحیفة الالهیة»: قل ای شیء أكبر

شهادة؟ قال الله. (ص ۳۴۲، س ۲۲)

ایشان به خیال اینکه الصحیفة الالهیة، نام کتابی فلسفی است، آن را با خط درشت داخل گیومه قرار دادند، در حالی که منظور از «الصحیفة الالهیة» قرآن کریم است و آیه مبارکه علاوه بر اینکه با خط مخصوص نوشته نشده است، بلکه جمله اخیر آن نیز غلط نوشته شده، که صحیح آن: «قل ای شیء أكبر شهادة قل الله» می باشد.

۴-۸. یكون منقوضة بقياس من الشكل. الثالث: وهو.

(ص ۵۶، س ۲۷)

مصصح محترم به خیال اینکه الثالث یکی دیگر از فروع است مسئله را بیان می کند، آن را با خط درشت در اول پاراگراف آورده اند که صحیح آن این گونه است:

یكون منقوضة بقياس من الشكل الثالث، وهو ...

با امید به اینکه تصحیح و چاپ علمی آثار معتبر میراث فرهنگی ما، دوره های بهتری را پیش روی داشته باشد.



۱-۶. لا أول الزمان ما وجوده. (ص ۲۷۳، س ۱۳) صحیح: لا أول لزمان وجوده.

۲-۶. لم يذكر القوة القوة بالمعنى. (ص ۲۸۰، س ۹) صحیح: لم يذكر القوة بالمعنى.

۳-۶. فی الوجود هو مطلقا. (ص ۳۰۳، س ۱۸) صحیح: فی الوجود مطلقا.

۴-۶. فی نفسه قبلی قبل وجوده. (ص ۳۲۰، س ۸) صحیح: فی نفسه قبل وجوده.

۵-۶. الواجب تعالی لما يتكفل. (ص ۳۴۵، س ۲۲) صحیح: الواجب تعالی يتكفل.

۶-۶. فهو اما ان يكون. (ص ۴۴۱، س ۱۵) صحیح: فهو ان يكون.

۷. اشکال در تقدم و تاخر

معمولاً در نسخه های خطی، وقتی که خطاط متوجه می شود کلماتی را پس و پیش نوشته است، در بالای آنها با لفظ «م» و «خ»، این اشتباه را متذکر می شود. اما در این کتاب به این نکات هر چند ابتدائی توجه نشده است. مثلاً به عنوان نمونه:

۱-۷. وجدان و عدم خلو الأجسام. (ص ۱۸۸، س ۵)

صحیح: عدم وجدان خلو الأجسام.

۲-۷. و كل منها واحد. (ص ۳۰۷، س ۱۶)

صحیح: و كل واحد منها.

۳-۷. تحت الجوهر مقولة بالذات. (ص ۳۰۷، س ۱۶)

صحیح: تحت مقولة الجوهر بالذات.

۴-۷. وهم معاً لا يسعهم. (ص ۳۳۰، س ۲۵)

صحیح: وهم لا معاً يسعهم.

۸. اشکالات ویراستاری

نداشتن ویرایش صحیح و دقیق، به خیل انبوه اشکالات این کتاب افزوده است؛ چرا که ویراستاری غلط و نابجا علاوه بر اینکه بر فهم مطلب هیچ کمکی نمی کند، بلکه بر ابهام موضوع می افزاید. در این مورد می توان به تعیین پراگراف ها اشاره کرد که بعضاً در وسط یک مطلب پراگراف دیگری گشوده شده است، و یا بر عکس یک مطلب کاملاً جدا که می بایست سر